

بازیگوشی با چند تا مداد و یک گله رنگ

صبح از خواب بر می خیزد. صبحانه بچه ها را آماده می کند. بچه ها را به مدرسه می رساند. به کلاس زبان می رود. بر می گردد. خرید و آماده کردن غذا تا شب. در این فاصله به کلاس نقاشی هم می رود و اگر فرصتی دست دهد- که خود این فرصت را می آفریند- به تمرین می پردازد. کاغذ کاهی کیلویی و مدادرنگی و آبرنگ و گواش و رنگ روغن و هر چیز دیگری که دم دست بیاید.

کوچکترین فضای خانه را برای نقاشی اشغال کرده است. اما از همین فضای کوچک دنیای بزرگی را تجربه می کند تا دست را گرم نگه دارد و بیننده را نیز به دنیایش بکشاند. رنوار بزرگ در باره برته موریزو زن نقاش گفته بود: «من زنان نویسنده، وکیل، سیاستمدار و هنرمند را مثل غولهای پنج پا می بینم. زن هنرمند مسخره نیست اما به نظرم زن، تنها می تواند خواننده یا رقاص شود».

اما اگر این هم نشد چی؟
هم رنوار درباره موریزو به مالارمه نوشته بود: «هر زنی به جز برته بود، تحمل نمی کرد و راه فراری می جست».

اکرم ابویی نقاش زن ایرانی - زن نقاش ایرانی- در حالی دارد روزنه ای به جهان نقاشی می جوید که درهای نیمی از جهان هنر به رویش بسته است. این هم شاید امتیازی بشد که بدون احساسی شدن، حسرت به دل شدن و بسیاری از شدن های دیگر، زیر تأثیر عقاید مسلط روز قرار نگیرد و به نقاشی ادامه دهد.

جهان نقاشی های او در نمایشگاه اخیرش، جهان صمیمی و زیباست، به بازیگوشی دخترانش. رشد کار او به فاصله دو نمایشگاه چشمگیر است. می توان امیدوار بود که پس از یک دوران سخت تجربه دیگر در برابر کارهای نقاشی بایستیم که خیره مان کند. یک غول پنج پا.
پنجمین نمایشگاه نقاشی آبرنگ اکرم ابویی در شهر کلن برپا شد. این نمایشگاه که از روز 29 ژانویه در سالن هنری پاول گرهارد در شهر کلن افتتاح شده بود، تا روز 7 فوریه 1999 ادامه داشت و سه دوره از آثار این نقاش به رؤیت دیدارکنندگان رسید.
مجله گردون